



لایحه منتخب



دکتر علی خالقی
وکیل پایه یک دادگستری
استاد دانشگاه تهران

ریاست محترم دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران

با سلام و احترام، در پرونده کلاسه ... شعبه ... دادگاه کیفری دو تهران، مربوط به شکایت شاکی ... با وکالت اینجانبان ... و ... علیه آقای ... به اتهام «جعل سند رسمی و استفاده از آن»، دادنامه شماره ... مبنی بر تبرئه متهم از اتهام جعل و محکومیت او در استفاده از سند مجعول صادر و در تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۹ ابلاغ شده است که بدین وسیله با تقدیم تجدیدنظرخواهی خود از طرف شاکی نسبت به هر دو جنبه دادنامه فوق (برائت و محکومیت متهم)، تقاضای ارجاع پرونده به یکی از شعب تجدیدنظر و رسیدگی و صدور حکم شایسته را دارد. با توجه به اینکه درخواست تجدیدنظر حاضر ناظر به هر دو جنبه دادنامه فوق است، دلایل و مستندات خود نسبت به این دو جنبه را ذیلاً به تفکیک به استحضار می‌رساند:

الف) تجدیدنظرخواهی نسبت به حکم برائت

با وجود تحقیقات دقیق و مفصل دادرسی و نظریه صریح کارشناسی، دادگاه صادرکننده حکم بدوی در مورد جعل یک فقره سند رسمی (صلح‌نامه شماره ... مورخ ۱۳۸۹/۰۸/۱۹ دفتر اسناد رسمی ... تهران)، به نوشتن یک سطر اکتفاء کرده و آورده است: «با توجه



به اینکه این احتمال دارد که جعل توسط اشخاص دیگری صورت گرفته و منتسب به ایشان نمی‌باشد» و بر این اساس، حکم برائت متهم را صادر نموده است! متأسفانه قاضی محترم شعبه ... در اقدامی غیر حرفه‌ای و غیرقانونی، در دو جلسه رسیدگی به تاریخ‌های ۱۴۰۱/۰۴/۲۰ و ۱۴۰۱/۰۸/۲۲ به بهانه عدم حضور شاکی و متهم، اجازه صحبت به وکلای آن‌ها را هم ندادند و در پاسخ به توضیح و کلای شاکی مبنی بر اینکه شاکی در ایران نبوده و شغل و محل اقامت او در خارج از کشور است، فرمودند «خب، ایران نیست، منم برائت میدم!» ایشان با این برخورد غیرمسئولانه حاضر به شنیدن اظهارات و توضیحات وکلای طرفین نشدند و نهایتاً هم حکم برائت وعده داده شده را صادر فرمودند! این در حالی است که هیچ مقرر قانونی به قاضی اجازه نمی‌دهد که به عذر عدم حضور شاکی یا متهم، از قبول وکیل او یا دادن اجازه صحبت به وی خودداری نماید.

در پرونده حاضر نیز اگر قاضی محترم شعبه بدوی به وکلای شاکی امکان ارائه توضیحات خود را می‌داد می‌توانست در کشف حقیقت و احراز بزهکاری متهم موفق باشد. متهم، با طراحی دقیق و با اهداف سودجویانه، یک فقره سند رسمی را جعل و به دادخواست تقدیمی خود به شعبه ... دادگاه حقوقی تهران پیوست نموده و دعوایی واهی را به منظور ابطال چند فقره سند رسمی موکل طرح نموده است. پس از اطلاع موکل و اقدام قضایی علیه او، دلایل زیر در جعلی بودن این سند کشف و به دادگاه کیفری ارائه شده است:

اولاً، همان‌گونه که مستحضربید در مورد اسناد منتسب به مراجع رسمی، یکی از راه‌های احراز اصالت آن‌ها، استعلام از مرجعی است که صدور آن سند به آن نسبت داده شده است. این روشی است که معمولاً در احراز اصالت احکام دادگاه‌ها یا گواهی‌ها و مدارک تحصیلی هم استفاده می‌شود. در این پرونده، از آنجا که ادعای جعلیت یک سند رسمی مطرح بوده، از مرجعی که صدور سند منتسب به آن است، یعنی دفتر اسناد رسمی ... تهران (با کفالت سردفتر اسناد رسمی ... تهران) در مورد آن استعلام شده و این دفتر در پاسخ، نخست طی نامه شماره ... مورخ ۹۹/۱۲/۱۳ و سپس طی نامه شماره ... مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۶ صحت تنظیم سندی در آن دفترخانه با شماره فوق به



عنوان صلح‌نامه را قاطعانه رد و اعلام کرده است که «سند شماره ... این دفتر در تاریخ ۸۴/۱۰/۱۲ ثبت دفتر گردیده و وکالت می‌باشد، نه صلح (موکل ... ، وکیل ...)» و به روشنی افزوده است که «چنانچه سند صلحی به شماره ... -۸۹/۸/۱۹ از طرف دفتر ... به آن مرجع ارائه شده، قطعاً جعلی می‌باشد. ضمناً سند در ردیف بایگانی نمی‌باشد.» لازم به ذکر است که حسب اطلاعات به دست آمده، سردفتر اسناد رسمی شماره ... که صلح‌نامه موصوف منتسب به دفترخانه اوست به دلیل اتهامات متعدد مربوط به انجام وظایف خود، سلب صلاحیت شده و در پی تعقیب قضایی نامبرده، قرار بازداشت درباره او صادر شده و متعاقباً در بازداشتگاه فوت نموده است. پس از این وقایع، سردفتر اسناد رسمی ... کفیل آن دفترخانه شده و پاسخ استعلام فوق را داده است. بی‌تردید، اقدام سردفتر سابق در مورد این سند امری فراتر از یک تخلف بوده و با متعاملین تبانی و هم‌دستی داشته و به درخواست آن‌ها چنین سندی را تنظیم کرده است، اما شماره سندی را که سابقاً به یک سند وکالت تخصیص یافته بود، بر روی آن درج نموده است. به همین دلیل کارشناس رسمی منتخب خبر از سوابق ثبتی سند ... داده اما موضوع آن را وکالت اعلام کرده و گفته است خبری از صلح‌نامه در دفترخانه نیست.

ثانیاً، از آنجا که صلح‌نامه ادعایی دلالت بر این داشته که این سند در تاریخ ۸۹/۰۸/۱۹ توسط متهم (به عنوان متصالح) و مادرش خانم ... (به عنوان مصالح) در دفتر اسناد رسمی شماره ... تهران امضاء شده است، و شاکای مدعی بوده که این خانم (یعنی خواهرش) در تاریخ مذکور اساساً در ایران نبوده است، مراتب از مراجع ذیربط استعلام شده و رئیس پلیس مهاجرت و گذرنامه ناجا به موجب نامه شماره ... مورخ ۹۹/۱۲/۰۹ که اصل آن در پاسخ به استعلام شعبه ... دادگاه حقوقی به آن مرجع ارسال و تصویر آن توسط دفتر دادگاه به بازپرس محترم تقدیم شده اعلام کرده است که خانم ... مدتی قبل از تاریخ فوق، یعنی در تاریخ ۸۹/۰۶/۰۶ ایران را به مقصد انگلستان ترک کرده و در تاریخ ۸۹/۰۹/۱۹ به کشور مراجعت نموده است. در نتیجه، خانم ... اساساً در تاریخ ادعایی تنظیم صلح‌نامه مزبور یعنی ۸۹/۰۸/۱۹ در ایران حضور نداشته است تا بتواند چنین سندی را امضاء نماید. بر اساس این حقایق، در دادگاه حقوقی روشن شد که صلح‌نامه شماره ۵۸۴۸ مورخ ۸۹/۰۸/۱۹ جعلی بوده و در تاریخ ادعایی آن و مقدم بر



اسناد موکل تنظیم نشده و در نتیجه حکم غیابی صادر شده بر مبنای آن فسخ و دعوای خواهان (متهم) رد شد. بدیهی است که با اثبات جعلی بودن سند، هیچ کس جز متهم ذینفع در ارتکاب این رفتار مجرمانه نبوده است.

ثالثاً، برای روشن شدن نقش متهم در جعل صلح‌نامه رسمی موضوع شکایت، کافی است که به تقدیم این سند توسط متهم به شعبه ... دادگاه حقوقی تهران توجه نمود که وی آن را به آن دادگاه ابراز و در واقع استفاده نموده است. با این حال، برای اینکه شبهه‌ای در این نباشد که متهم خود به امضاء سند مذکور مبادرت ورزیده است، این موضوع به کارشناس رسمی دادگستری ارجاع گردید. کارشناس منتخب، با ملاحظه اصل سند (که تا آن زمان متهم نه نزد مرجع قضایی حاضر شده بود و نه سند را تحویل داده بود) و با استکتاب از شخص متهم و خانم ... (نه بر اساس اسناد مسلم‌الصدور آن‌ها)، نظریه خود را در تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۶ صادر و در آن به صراحت اعلام نمود که «تعداد دو فقره امضاء انتسابی به خانم ... و فرزندش ... در مقایسه با امضات استکتایی و اساس تطبیق وی از حیث: شکل و قالب، شروع و خاتمه، سرعت و صراحت، نحوه تحریر کلمات نام و نام خانوادگی آن‌ها در کنار امضاء و سایر ویژگی‌های فنی دارای تشابهات زیادی بوده و مطابقت دارند (مثبت+)».

بدین ترتیب، روشن و مشخص شد که امضاء ذیل صلح‌نامه توسط متهم درج شده و متعلق به اوست. همان‌گونه که مستحضرید درج امضاء در ذیل یک سند جزء آخر و سبب تشکیل آن سند است، به طوری که حتی اگر تمام متن سند توسط سردفتر یا شخص دیگری با اتخاذ عنوان سردفتر تنظیم شده، ولی توسط متعاملین امضاء نشده باشد، نمی‌توان از تنظیم سند سخن گفت، بلکه با امضاء یک سند در واقع قصد انشاء صاحب آن اعلام و «سند ساخته» می‌شود. به موجب ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات نیز یکی از مصادیق جعل و تزویر «ساختن نوشته یا سند» می‌باشد. در پرونده حاضر، مهم نیست که چه کسی (متهم یا سردفتر متوفی یا شخصی دیگر) متن سند صلح را تایپ کرده است. مهم این است که متهم با درج امضای خود در ذیل آن، به آن متن به عنوان یک سند موجودیت بخشیده و آن را تکمیل کرده است. بنابر این عمل او «ساختن سند» است که از مصادیق جعل به شمار می‌رود و چون در مقام ساختن یک سند رسمی



برآمده، اقدام او جعل یک فقره سند رسمی است. جعل «نوشته‌ها و اوراق رسمی» توسط کارمندان و مسؤولان دولتی در ماده ۵۳۲ قانون تعزیرات و اقدام به همین عمل توسط اشخاصی که کارمند یا مسؤول دولتی نیستند در ماده ۵۳۳ آن قانون جرم و قابل مجازات شناخته شده است.

با توجه به مراتب فوق، اتهام متهم دائر بر جعل صلح‌نامه رسمی شماره ... مورخ ۸۹/۰۸/۱۹ ثابت است و تقاضای نقض حکم تجدیدنظرخواسته در این قسمت و صدور حکم محکومیت نامبرده را دارد. در این زمینه، توجه قضات محترم تجدیدنظر را به این نکته جلب می‌کند که متهم با اقدام خود، دست به ارتکاب جعل در یک سند عادی نزده، بلکه یک سند رسمی را که باید مورد اعتماد و وثوق باشد، جعل نموده است تا آن را برای فریب دادگاه مورد استفاده قرار دهد و به وسیله آن موفق شده ۹ سند رسمی مربوط به موکل را ابطال نماید. وی پس از آن، با اخذ نامه‌ای از دادگاه صادرکننده حکم خطاب به اداره کل ثبت اسناد و املاک تهران، عملیات مربوط به ابطال اسناد مزبور در دفتر املاک و دفاتر اسناد رسمی را نیز پیگیری کرده بود تا اینکه به طور اتفاقی و هنگام مراجعه یکی از بستگان موکل به یکی از این دفاترخانه‌ها از اقدامات وی پرده برداشته شد. مقابله با این اقدامات متهم در دادگاه حقوقی و اعاده اعتبار اسناد ابطال شده، وقت و هزینه زیادی را از موکل گرفت و به او ظلم شد. از سوی دیگر، توجه به این نکته لازم است که در حالی که ورودی شگفت‌آور پرونده‌های قضایی، قضات دادگستری را با حجم عظیم موجودی مواجه و آن‌ها را خسته و فرسوده کرده است، متهم با جعل سند رسمی، یک دعوای واهی را در دادگستری طرح نموده و با بی‌اطلاع نگه داشتن خواندگان از طریق ارائه نشانی مجعول، دادگاه را فریفته و حکم به سود خود گرفته است. همان‌گونه که مستحضرید، در بسیاری از کشورها، فریب مقامات قضایی تحت عنوان «جرائم علیه عدالت» دسته‌بندی شده و به شدیدترین وجه مجازات می‌شود، زیرا مرتکب با این اقدام خود، امری خلاف واقع را با حکم قضایی، واقعی جلوه می‌دهد و اعتبار آراء و مراجع قضایی را مخدوش می‌سازد. در پرونده حاضر نیز، متهم چنین اقدامی انجام داده و در اجرای تبصره الحاقی به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی و به استناد بندهای «الف» و «ب» آن ماده استحقاق محکومیت به مجازاتی بیش از حداقل مقرر قانونی را دارد.



ب) تجدیدنظر خواهی نسبت به حکم محکومیت

با توجه به محتوای پرونده حقوقی مربوط به این موضوع در دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر تهران که مهم‌ترین اوراق آن‌ها از سوی دفتر دادگاه ارسال و در پرونده کیفری مضبوط گردیده به خوبی روشن است که متهم با ارائه سند جعلی به مرجع قضایی و استناد به آن برای اثبات ادعای خود در آن مرجع، دست به استفاده از سند مجعول زده و حکم محکومیت او از این لحاظ صحیح است. با این حال، رأی تجدیدنظرخواسته از نظر تعیین میزان مجازات متهم متضمن دو اشتباه به شرح زیر است که چون به اساس رأی لطمه وارد نمی‌سازد به استناد ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری تقاضا دارد ضمن تأیید حکم محکومیت، آن را اصلاح نماید:

اولاً، حسب اعلام صریح دادسرا در کیفرخواست مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۱۶ به دادگاه، متهم ... دارای سابقه «محکومیت کیفری» بوده و همین امر ایجاب می‌نموده که سوابق وی استعلام و با توجه به آن‌ها و با رعایت قواعد تکرار جرم به تعیین مجازات او مبادرت گردد. بدیهی است که نحوه برخورد با متهمی که دارای سوابق کیفری (از جمله سابقه ارتکاب ضرب و شتم نسبت به شاکی) است نباید مانند برخورد با متهمی ناکرده بزه و بدون سابقه باشد.

ثانیاً، با توجه به ارتکاب دو جرم یعنی جعل و استفاده از سند مجعول توسط متهم، تعیین میزان مجازات متهم تابع قواعد تعدد جرم بوده و لازم است که در هر دو جرم بر اساس بند «ب» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۹) رفتار شود. بر این اساس، حداقل میزان مجازات هر یک از این جرائم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی (یعنی بیشتر از بیست و یک ماه) است. بنابر این، از آن دادگاه محترم تقاضا دارد که با توجه به دلایل مجرمیت متهم در خصوص اتهام جعل و استفاده از سند مجعول و احراز حالت تعدد جرم، و با توجه به اینکه میزان مجازات مقرر در حکم نخستین بر خلاف جهات قانونی کمتر از حداقل میزانی است که قانون مقرر داشته، در اجرای ماده ۴۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری با تصحیح حکم، نسبت به تعیین حداقل مجازاتی که قانون مقرر داشته است (یعنی بیست و یک ماه و یک روز حبس)، اقدام نماید. با تجدید احترام

